تبرّک

علی اصغر رضوانی

بسم الله الرحمن الرحیم

تبرک

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تبرک

مشخصات کتاب

مولف:علی اصغر رضوانی

مقدمه

تبرک به صالحین و اخیار از امت و اماکن و مشاهد مقدسه و آثار وابسته به آنان، از ناحیه وهابیون به شدت انکار شده و آن را از مصادیق شرک شمرده اند و با کسانی که قصد تبرک جستن از آثار انبیا و صالحان را داشته باشند مقابله و مبارزه می کنند. از همین رو، تبرک یکی از مسائل اختلاف برانگیز بین وهابیون و مسلمین است. به همین جهت جا دارد که در این مسئله دور از تعصبات و جنجال ها بحث نماییم تا حقیقت مطلب روشن گردد.

فتاوای وهابیون در حرمت تبرک

۱ ـ صالح بن فوزان از مفتیان وهابیون می گوید: سجده کردن بر تربت اگر به قصد تبرک به این تربت و تقرب به ولی باشد، شرک اکبر است و اگر مقصود از آن تقرب به خدا با اعتقاد به فضیلت این تربت باشد، همانند فضیلت زمین مقدس در مسجد الحرام و مسجد نبوی و مسجد الأقصی، بدعت است.... [۱] . ۲ ـ ابن عثیمین می گوید: تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن از بدعت هاست، زیرا در این باره از پیامبر(صلی الله علیه وآله) چیزی نرسیده است. [۲] . [صفحه ۱۷۰] ۳ ـ گروه دائمی مفتیان وهابیون می گویند:... توجه پیدا کردن مردم به این مساجد و مسح نمودن دیوارها و محراب ها و تبرک به آنها بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیّت است. [۳] . ۴ ـ بن باز می گوید: قرار دادن قرآن در ماشین به جهت تبرک، اصلی بر آن نبوده و غیر مشروع است. [۴] . ۵ ـ ابن فوزان می گوید: تبرک به معنای طلب برکت و او به معنای ثبات خیر و طلب خیر و زیادتی آن است و این طلب باید از کسی باشد که مالک آن بوده و بر آن قدرت دارد و او همان خداوند سبحان است که برکت نازل کرده و ثبات می دهد. هیچ مخلوقی قدرت بر بخشش، برکت، ایجاد و ابقاء و تثبیت آن ندارد. لذا تبرک به اماکن و آثار و اشخاص ـ از زندگان و مردگان ـ جایز نیست، زیرا یا شرک است و یا.... [۵] . ۶ ـ ابن عثیمین نیز می گوید: برخی از زائرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می کشند، تمام اینها بدعت است. [۶] .

معنای تبرک

تبرک در لغت به معنای طلب برکت است و برکت به معنای زیادت و رشد یا سعادت است. [۷] تبرک به چیزی؛ یعنی طلب برکت از طریق آن شیء. و در اصطلاح به معنای طلب برکت از طریق چیزها یا حقیقت هایی است که خداوند متعال برای آنها امتیازها و مقام های خاصی قرار داده است؛ همانند لمس کردن یا بوسیدن دست پیامبر(صلی الله علیه وآله) یا برخی از آثار آن حضرت بعد از وفاتش. [صفحه ۱۷۱]

تبرک در قرآن کریم

اشاره

کلمه برکت در قرآن کریم بـا الفـاظ گوناگونی به کار رفته است؛ برای افاده این معنا که برخی از اشـخاص یا مکان ها و زمان های معینی را خداوند متعال به جهات خاصی نوعی برکت افاضه کرده است.

برکت در اشخاص

۱ ـ خداونـد متعـال دربـاره حضـرت نوح (علیه السـلام) و همراهـانش می فرمایـد: اهْبِطْ بِسَلام مِنّا وَ بَرَکات عَلَیْکَ وَ عَلی أُمَم مِمَّنْ مَعَکَ؛ [۸] ای نوح! از کشتی فرود آی که سـلام ما و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه با تو هسـتند. ۲ ـ هم چنین درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: وَ جَعَلَنی مُبارَکًا أَیْنَ ما کُنْتُ وَ أَوْصانی بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ ما دُمْتُ حَیًّا؛ [۹] و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه رحمت و برکت گردانیـد و تا زنـده ام به عبادت نماز و زکات سـفارش کرد. ۳ ـ در مورد حضرت ابراهیم و فرزنـدش اسـحاق می فرمایـد: فَلَمّا جاءَها نُودِیَ أَنْ بُورِکَ مَنْ فِی النّارِ وَ مَنْ حَوْلَها؛ [۱۰] چون موسـی به آن آتش نزدیک شـد او را ندا کردند. آن کس که در اشتیاق این آتش است یا به گردش در طلب است.... خداوند متعال می فرماید: وَ بارَکْنا عَلَیْهِ وَ عَلی إِسْحاقَ؛ [۱۱] و مبـارک گردانیـدیم بر او و بر اسـحاق. هـم چنین دربـاره اهـل بیت (علیهم السـلام)، یـا اهـل بیت ابراهیم (علیه السـلام) می فرمایـد: رَحْمَتُ اللّهِ وَبَرَکـاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمیـدٌ مَجیـدٌ؛ [۱۲] رحمت و برکـات خـدا مخصوص شـما اهل بیت رسالت است، زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگوار است. [صفحه ۱۷۲]

برکت در زمان و مکان

لفظ برکت و مشتقّات آن در مورد برخی از اماکن و بخش هایی از زمین یا زمان نیز به کار برده شده است: ۱ ـ خداوند متعال راجع به مکه مکرمه می فرمایـد: إِنَّ أَوَّلَ بَیْت وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّةَ مُبارَکًا وَ هُدًی لِلْعالَمینَ؛ [۱۳] همانـا اولین خـانه ای که برای مکان عبـادت مردم بنـا شـده مکه است که در آن برکت و هـدایت خلایق است. ۲ ـ در رابطه با مسـجد الأقصـی و اطراف آن می فرمایـد: سُبْحانَ الَّذی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ؛ [۱۴] پاک و منزه است خدایی که در شبی بنـده خـود را از مسـجد الحرام به مسـجد الاقصـی سوق داد که پیرامونش را مبـارک و پرنعمت سـاخت. ۳ ـ و دربـاره شب قـدر می فرمایـد: إِنّا أَنْزَلْناهُ فی لَیْلَة مُبارَکَة إِنّا کُنّا مُنْذِرینَ؛ [۱۵] این قرآن بزرگ کتـابی مبـارک و عظیم الشـأن است که بر تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند.

تبرک در روایات

با مراجعه به روایات با طیف بسیاری از کلمات نبوی و اهل بیت (علیهم السلام) مواجه می شویم که سخن از تبرک به میان آورده و محمّـد و آل محمّـد (صـلی الله علیه وآله) را اشـخاص مبارک، معرفی نموده اند: ۱ ـ پیامبر(صـلی الله علیه وآله) در کیفیت صـلوات چنین دسـتور داده انـد که بگوییـد: اللّهم صلّ علی محمّـد و علی آل محمّد کما صلّیت علی ابراهیم، و بارک علی محمّد و علی آل محمّـد، کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین انّک حمید مجید و السـلام کما قد علمتم. [۱۶] . [صفحه ۱۷۳] ۲ ـ در صحیح بخاری در کیفیت صـلوات به رسول خدا (صـلی الله علیه وآله) چنین آمده است: اللّهم صلّ علی محمّد عبدک و رسولک، کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمّد و آل محمّد کما بارکت علی ابراهیم. [۱۷] .

تبرک در تاریخ

آیـا تبرک به مفهوم اصـطلاحی آن یک واقعیّت تاریخی است که در بین امّت های صاحب شـریعت رایـج بوده، تا از سـیره و روش

آنان کشف کنیم که تبرک در بین امّت های دینی پیشین نیز امری مشروع بوده است؟ در پاسخ این سؤال می گوییم: تبرک به آثار انبیا، از جمله مسائلی است که در امت های دینی پیشین نیز سابقه داشته است، اینک به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم: ۱ ـ خداوند متعال در مورد تبرک حضرت یعقوب (علیه السلام) به پیراهن فرزندش حضرت یوسف (علیه السلام) و فرستادن آن برای پدرش یعقوب (علیه السلام) از قول حضرت یوسف (علیه السلام) می فرماید: اذْهَبُوا بِقَمیصی هذا فَأَلْقُوهُ عَلی وَجْهِ أَبی یَأْتِ بَصیرًا؛ [۱۸] پیراهن مرا نزد پدرم یعقوب برده بر روی او افکنید تا دیدگانش بینا شود. برادران حضرت یوسف (علیه السلام) امر برادر خود را امتثال نموده و پیراهن را برداشته و بر صورت یعقوب (علیه السلام) انداختند. پدری که در فراق فرزندش بر اثر شدّت حزن و زیادی اشک نابینا شده بود. در این هنگام به اذن خداوند متعال چشمان پدر به برکت پیراهن یوسف (علیه السلام) بینا شد. البته خداوند متعال قدرت دارد که این عمل را مستقیماً انجام دهد، ولی از آن جا که عالم عالِم اسباب و مسببات است و اسباب نیز برخی مادی و برخی معنوی است، حکمت الهی بر این تعلق گرفته که در انبیا و صالحین و آثارشان برکت قرار دهد تا از این طریق مردم به آنها اعتقاد پیدا کرده و به آنها نزدیک شوند و در نتیجه با الگو قرار دادن آنان به خداوند تقربّ پیدا کرده و به ثواب او نائل آیند. [صفحه ۱۷۴] ۲ ـ از جمله موارد دیگری که قرآن در مورد امت های دینی پیشین به آن اشاره کرده، تبرک جستن بنی اسرائیل به تابوتی است که در آن آثار آل موسی و آل هارون بوده است. خداوند متعال در قرآن کریم قصه پیامبر بنی اسرائیل که بشارت به پادشاهی طالوت داد، این چنین حکایت می کند: إِنَّ آیَةَ مُلْکِهِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ التّابُوتُ فیهِ سَکینَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ بَقِیَّةٌ مِمّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَةُ؛ [۱۹] نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق[عهد]که در آن آرامش خاطری از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون[در آن]بر جای نهاده اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند به سوی شما خواهد آمد. این تابوت همان تابوتی است که به امر خدا مادر حضرت موسی (علیه السلام) فرزندش را در آن قرار داد و بر روی آب رها نمود، این تابوت در بین بنی اسرائیل احترام خاصی داشت؛ به حدّی که به آن تبرک می جستند. حضرت موسی (علیه السلام) قبل از وفاتش، الواح و زره خود و آنچه از آیات نبوّت بود در آن قرار داد و نزد وصیّ اش یوشع به ودیعه گذارد. این صندوق نزد بنی اسرائیل بود و آن را از دید مردم پنهان نگه می داشتند. بنی اسرائیل تا مادامی که تابوت نزدشان بود در عزت و رفاه بودند، ولی هنگامی که گناه کرده و به تابوت بی احترامی کردند، خداوند آن را مخفی نمود. آنان بعد از مدّتی، آن را از یکی از انبیایشان خواستند؛ خداوند متعال طالوت را پادشاه آنان کرد و نشانه ملک او، همان صندوق[عهد]بود. زمخشری می گوید: تابوت، صندوق تورات بوده است، و هرگاه حضرت موسی(علیه السلام) در صدد قتال برمی آمد آن را بیرون آورده و در منظر بنی اسرائیل قرار می داد تا با دیدن آن آرامش پیدا کرده و در جهاد سست نگردند.... [۲۰] . از این داستان استفاده می شود که بنی اسرائیل نیز از تابوتی که آثار حضرت موسی در آن بوده تبرک می جستند و برای آن احترام خاصی قائل بوده اند. [صفحه ۱۷۵]

سیره مسلمین در تبرک

سیره صحابه در تبرک به پیامبر در زمان حیاتش

اشاره

محمد طاهر مکّی می گوید: تبرک به آثار پیامبر(صلی الله علیه وآله) سنت صحابه بوده است که این سنت را تابعین و صالحین مؤمن نیز دنبال نموده اند. تبرک به آثار پیامبر(صلی الله علیه وآله) در عصر آن حضرت واقع شد و حضرت بر کسی انکار نکرد و این خود دلیل قاطعی بر مشروعیت تبرک است، زیرا اگر این چنین نبود پیامبر(صلی الله علیه وآله) مردم را از آن نهی می کرد؛ خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که غالب صحابه ایمان های قوی داشته و تابع دستورهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بوده

اند. [۲۱] . ابن حجر می گوید: هر مولودی که در عصر پیامبر(صلی الله علیه وآله) بوده قطعاً پیامبر(صلی الله علیه وآله) را دیده است، زیرا اصحاب انگیزه فراوانی داشتند تا فرزندان خود را به نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) آورده تا به پیامبر(صلی الله علیه وآله) متبرک ساخته و پیامبر(صلی الله علیه وآله) او را تحنیک کند. [۲۲] حتی گفته شده که بعد از فتح مکه، اهالی آن فرزندانشان را نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) می آوردند تا دست مبارکش را بر سرشان کشیده و دعای به برکت نماید. [۲۳] . در این زمینه روایات فراوانی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ ـ عایشه نقل می کند: صحابه دائماً فرزندان خود را نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می آوردند تا آنان را تحنیک کرده و مبارک گرداند. [۲۴] . ۲ ـ امّ قیس فرزندش را ـ که هنوز غذا نخورده بود ـ نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آورد و او را در دامن آن حضرت (صلی الله علیه وآله) قرار داد.... [۲۵] . ابن حجر در شرح این حدیث می گوید: از این حدیث استفاده می شود که تحنیک [صفحه ۱۷۶] طفل و تبرک به اهل فضل مستحب است. [۲۶] . ۳ ـ انس می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را دیدم که حلّاق سر مبارکش را می تراشید و اصحاب دور وجودش طواف می کردند تا اگر دانه مویی از سر حضرت (صلی الله علیه وآله) جدا شود بر دستان آنها قرار گیرد. [۲۷] . ۴ ـ ابی حجیفه می گوید: خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسیدم، در حالی که وضو می گرفت و مردم بر هم سبقت می گرفتند تا از آب وضوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) بهره ببرند. هر کس از آن آب بر می داشت، برای تبرک به خود می مالید و کسی هم که به آن دسترسی پیدا نمی کرد از رطوبت دیگری استفاده می برد. [۲۸] . عروه از مسور و دیگران نقل می کند: هنگام وضوی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، نزدیک بود که مردم به دلیل هجوم آوردن برای تبرک از آب وضوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) خودشان را هلاک کنند. [۲۹] . ۵ ـ سعد می گوید: از اصحاب رسول خدا شنیدم که می گفتند: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کنار چاه بضاعه آمد و با دلوی از چاه آب کشید و با آن وضو گرفت و بقیه آن را داخل چاه ریخت. بعد از این جریان هرگاه شخصی مریض می شد، از آن چاه آب می کشیدند و او را می شستند؛ و فوراً شفا می یافت. [۳۰] . ۶ ـ ابوایوب انصاری می گوید: بعد از آن که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وارد خانه ما شد؛ من برای حضرتش غذا می آوردم، هنگامی که ظرف غذا را بر می گرداندم، من و همسرم از محل دست های پیامبر(صلی الله علیه وآله) در غذا به نیت تبرک برداشته و استفاده می کردیم. [۳۱] . [صفحه ۱۷۷]

رأی ابن تیمیه و احمد بن حنبل در تبرک

ابن تیمیه در کتاب اقتضاء الصراط المستقیم نقل می کند: احمد بن حنبل و غیر او اجازه داده اند تا انسان منبر و جا دستی پیامبر(صلی الله علیه وآله) را بر روی منبر برای تبرک مسح نماید، ولی مسح قبر آن حضرت را رخصت نداده اند. ولی برخی دیگر از اصحاب ما روایتی از احمد نقل کرده که مسح قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) را نیز جایز شمرده است.

تبرک صحابه و تابعین به آثار پیامبر بعد از وفاتش

بخاری در صحیح بابی را به این مضمون ذکر کرده است. آنچه از زره، عصا، شمشیر، ظرف، انگشتر و... مو، کفش و... از چیزهایی که صحابه و دیگران به آنها بعد از وفات پیامبر(صلی الله علیه وآله) تبرک می جستند. [۳۲] . ۱ ـ نقل است که معاویه هنگام وفات وصیت کرد که با پیراهن، شلوار، قبا و مقداری از موی پیامبر(صلی الله علیه وآله) دفن شود. [۳۳] . ۲ ـ عمر بن عبدالعزیز هنگام وفاتش دستور داد: مو و ناخنی از پیامبر(صلی الله علیه وآله) را آورده و در کفنش قرار دهند. [۳۴] . ۳ ـ ابن سعد می گوید: در حنوط انس بن مالک، کیسه ای از مشک و مویی از موهای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را قرار دادند. [۳۵] . ۴ ـ ابن سیرین می گوید: به عبیده گفتم: نزد ما مقداری از موی پیامبر(صلی الله علیه وآله) از طرف انس یا اهل او باقی مانده که برای من محبوب تر است از دنیا و آخرت. [۳۶] . ۵ ـ صفیه می گوید: هرگاه عمر بر ما وارد می شد دستور می داد تا کاسه ای که از رسول خدا(صلی

الله علیه وآله) نزد ما بود به او دهیم، سپس آن را از آب زمزم پر می نمود و از آن [صفحه ۱۷۸] می آشامید و به قصد تبرک بر صورتش می پاشید. [۳۷] . ۶ ـ انس می گوید: پیامبر(صلی الله علیه وآله) بر امّ سلیم وارد شد و در آن جا مشکی از آب دید که بر دیوار آویزان شده بود؛ آن گاه پیامبر(صلی الله علیه وآله) ایستاده از آن آب آشامید. امّ سلیم مشک را برداشته و دهانه آن را بریده و برای تبرک نزد خود نگاه داشت. [۳۸] . ۷ ـ ابن سیرین نقل می کند: نزد انس بن مالک، عصایی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که بعد از وفاتش آن را با او بین پهلو و پیراهنش دفن نمودند. [۳۹] . ۸ ـ ابراهیم بن عبدالرحمن بن عبدالقاری می گوید: ابن عمر را دیدم که دستش را بر جایگاه پیامبر(صلی الله علیه وآله) در منبر کشیده و به صورت خود می مالید. [۴۰] . ۹ ـ یزید بن عبدالله بن قسیط می گوید: جماعتی از اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وآله) را دیدم که وقتی مسجد از جمعیت خالی می شد، دست بر دستگیره منبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گذارده، آن گاه دعا می نمودند. [۴۱] . ۱۰ ـ داود بن صالح می گوید: روزی مروان به روضه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وارد شد، دید شخصی صورتش را بر روی قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) گذارده است. به او گفت: آیا می دانی چه می کنی؟ هنگامی که آن شخص صورتش را برداشت مروان دید که او ابوایوب است. ابوایوب در جوابش فرمود: من به جهت این سنگ نیامده ام، بلکه به خاطر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده ام. [۴۲] . ۱۱ ـ ابن عساکر به سند خود از امام علی (علیه السلام) نقل می کند: بعد از دفن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فاطمه (علیها السلام) بر بالای قبر پدرش ایستاد و مشتی از خاک قبر را برداشته و بر دیدگانش مالید و فرمود: [صفحه ۱۷۹] ماذا علی من شمّ تربهٔ أحمد++ أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا صُبّت علیّ مصائب لو أنّها++ صُبّت علی الأیّام عدن لیالیاً [۴۳] . ۱۲ ـ سمهودی نقل می کند: عبدالله بن عمر دست راستش را بر قبر شریف پیامبر(صلی الله علیه وآله) می مالید و بلال نیز صورتش را. آن گاه از عبدالله بن احمد بن حنبل نقل می کند که این عمل به جهت شدت محبت بوده، و بدین جهت تعظیم و احترام اشکالی ندارد. [۴۴] . ۱۳ ـ ابوالدرداء می گوید: شبی بلال مؤذن پیامبر(صلی الله علیه وآله) در عالم رؤیا پیامبر(صلی الله علیه وآله) را زیارت نمود. حضرت (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: این چه جفایی است که در حق ما نمودی! آیا وقت آن نشده که به زیارت ما بیایی؟ بلال محزون و خائف از خواب بیدار شد؛ فوراً سوار بر مرکب خود شد و به سوی مدینه حرکت نمود و مستقیماً به کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمد و شروع به گریه کرد، در حالی که صورتش را به قبر مبارک می مالید. حسن و حسین (علیهما السلام) بر او وارد شدند، بلال آنان را در بغل گرفت و بوسید. [۴۵] . ۱۴ ـ نافع نقل می کند: ابن عمر را دیدم که نماز می گزارد در مکان هایی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نماز خوانده بود.... [۴۶] . ابن حجر در شرح این حدیث می گوید: از این عمل ابن عمر استفاده می شود که دنبال نمودن آثار پیامبر(صلی الله علیه وآله) و تبرک به آنها مستحب است. [۴۷] . ۱۵ ـ ابن عبدالبرّ می گوید: ابن عمر از آثار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بسیار متابعت می نمود و در مواقف عرفه و دیگر مواضع به دنبال مکانی می رفت که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در آن وقوف نموده بود. [۴۸] .

پاورقی

[۱] المنتقی من فتاوی الشیخ صالح بن فوزان، ج ۲، ص ۸۶.

[۲] مجموع الفتاوی لابن عثیمین، رقم ۳۶۶.

[۳] اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیهٔ و الافتاء، ح ۳۰۱۹.

[۴] فتاوی اسلامیه، ج ۴، ص ۲۹.

[۵] البدعهٔ، ص ۲۸ ـ ۲۹.

[۶] دلیل الأخطاء، ص ۱۰۷.

[۷] لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۹۰؛ صحاح اللغه، ج ۴، ص ۱۰۷۵ و النهایه، ج ۱، ص ۱۲۰.

[۸] هود (۱۱) آیه ۴۸.

[۹] مریم (۱۹) آیه ۳۱.]

[۱۰] نمل (۲۷) آیه ۸.

[۱۱] صافات(۳۷) آیه ۱۱۳.

[۱۲] هود (۱۱) آیه ۷۳.

[۱۳] آل عمران (۳) آیه ۹۶.

[۱۴] إسراء (۱۷) آیه ۱.

[۱۵] دخان (۴۴) آیه ۳.

[۱۶] صحیح مسلم، کتاب الصلاهٔ، باب الصلاهٔ علی النّبی (صلی الله علیه وآله) بعد التشهد، ج۱، ص ۳۵۰، ح ۶۵.

[۱۷] صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۹، کتاب التفسیر، تفسیر سورهٔ الاحزاب.

[۱۸] یوسف (۱۲) آیه ۹۳.

[۱۹] بقره (۲) آیه ۲۴۸.

[۲۰] تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۹۳.

[۲۱] تبرک الصحابهٔ بآثار الرسول (صلی الله علیه وآله)، ص ۷.

[۲۲] تحنیك، عبارت است از اولین خوردنی که به طفل می خورانند از تربت یا چیزی دیگر.

[۲۳] الاصابهٔ، ترجمه ولید بن عقبه، ج ۳، ص ۶۳۸، رقم ۹۱۴۷.

[۲۴] مسند احمد، ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۲۵۲۴۳.

[۲۵] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶۲، کتاب الغسل.

[۲۶] فتح الباری، ج ۱، ص ۳۲۶، کتاب الوضوء.

[۲۷] صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۵، ص ۸۳، مسند احمد، ج ۳، ص ۵۹۱.

[۲۸] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۵، کتاب الوضوء، باب استعمال فضل وضوء الناس.

[۲۹] همان.

[۳۰] الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲، ح ۱۸۴.

[۳۱] البدایهٔ و النهایهٔ، ج ۳، ص ۲۰۱؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۴.

[۳۲] صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۶، باب ما ذکر من درع النبی (صلی الله علیه وآله) و عصاه و سیفه....

[۳۳] السیرهٔ الحلبیه، ج ۳، ص ۱۰۹؛ الاصابه، ج ۳، ص ۴۰۰ و تاریخ دمشق، ج ۵۹، ص ۲۲۹.

[۳۴] طبقات ابن سعد، ترجمه عمر بن عبدالعزیز، ج ۵، ص ۴۰۶.

[۳۵] همان، ج ۷، ص ۲۵، ترجمه انس.

[۳۶] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۱، کتاب الوضوء، باب الماء الذی یغسل شعر الانسان.

[۳۷] الاصابه، ترجمه فراس، ج ۳، ص ۲۰۲؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۵۲.

[۳۸] مسند احمد، ج ۷، ص ۵۲۰، ح ۲۶۵۷۴؛ طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۳۱۳.

[۳۹] البدایهٔ و النهایه، ج ۶، ص ۶.

[۴۰] طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۵۴، ذکر منبر الرسول (صلی الله علیه وآله).

[۴۱] همان.

[۴۲] المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۹۴، الجامع الصغیر، ص ۷۲۸ و....

[۴۳] وفاء الوفا، ج ۴، ص۱۴۰۵.

[۴۴] همان.

[۴۵] تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۳۷؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۲۸۹، اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۴۴.

[۴۶] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۰.

[۴۷] فتح الباری، ج ۱، ص ۴۶۹.

[۴۸] الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۴۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰IR۹ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹